

نمونه حیات بهائی

مصل روحانی عالی بهائیان ایران

نشر دوم

مؤسسه عالی مطبوعات امری

۱۳۱۰ بیج

نمونہ حیات بہانی

منتخبات توافیح و مکاتیب مولاہی حنون و شفق حضرت
ولّی امر اللہ ارواحنا لعنایاتہ الفداء کہ در این جزوہ جمع آوری
شدہ باستثنای چند توقیع منہج کہ بافتخار احبای شرق و ایران
از کلک گہرہار آن منہج فہض فرصدور یافتہ است ، بقیہ ترجمہ
از آثار مبارکہ بہارن انگلیزی است .

با توجّہ بہ فصاحت و بلاغت بیانات مبارکہ حضرت
ولّی امر اللہ کہ در آثار بہ لسان نورا و فصیح نیز کاملاً
مشہود و معلوم است ترجمہ و انتقال این آثار ثمنہ کہ از یراعہ
مقدسّان ولّی امر نازنین صادر شدہ است سہل و آسان نیست
و شاید با زیارت این ترجمہ ہا فقط بتوان بہ مضامین بیانات
مبارکہ اطلاع حاصل نمود و الا آن قدرت بیان و قوت تہیان
و سیطرہ و غالبیت قلم معجز شہم را چگونه میتوان بہ لسان
دیگری منتقل نمود و بہمان اندازہ کہ زیارت ان در زبان
انگلیزی پرحلاوت و لذت بخش است ، در زبان فارسی نیز بہمان
میزان شہرینی و لطافت بیانات مبارکہ را ادراک کرد .

در ہر حال محفل روحانی ولّی بہائیان ایران با انتشار
این منتخبات کہ در ترویج حیات بہائی و تعمیم اخلاق و روش
ملکوتی و تأسیس و تکمیل فضائل انسانی تأثیر بسزا دارد ، امیدوار
است کہ عائلہ ہای بہائی با توجّہ و دقت خاص حقایق مندرجہ
را مورد مطالعہ عمیق قرار دہند و در زندگانی فردی و اجتماعی
خوبش بکار بندند و ہاین حقیقت مسلمہ ایمان و پادگان داشتہ

باشند که هرگاه نصاب و مواظب آن منجی ظالم و محیی راسم
 بنحو شایسته در حیات روزانه تحقق بخشند ابواب راحت و
 آسایش وجدانی بر وجوهشان مفتوح خواهد شد و اثرات هیفته
 تعالیسم مبارکه را برای العین مشاهده خواهند نمود .

مخفل مقدس روحانی ملی بهائیان

ایران

بیت العدل اعظم الہی

مرکز جهانی بهائیس

۲۴ نوامبر ۱۹۷۳

خطاب بجمیع محافل روحانی ملی

یاران عزیز بهائیس :

از محفل روحانی ملی انگلستان خواهش کرده ایم یک نسخه از مطالبی را که جمع آوری کرده اند تحت عنوان "نمونه حیات بهائی" با پست زمینی برای شما بفرستند و بضمیمه این مرقومه نیز منتخباتی از نامه ها و توقیعات حضرت ولی محبوب امرالله را برای الحاق بآن ارسال مینمایم .

مقصود از ایفاد این منتخبات برای شما اینست که بتوانید با نشر آنها به یاران کمک و مساعدت نمائید تا قادر شوند بطور کاملاً بفهموم بهائی بودن واقف شوند و با هدایت و معاضدت شما حیات خود را با تعالیم و دستورات مبارکه تطبیق دهند . شما مختارید این مرسولات را به هر نوع صلاح و مناسب برای احتجاجات جامعه خود بدانید مورد استفاده قرار دهید . مثلاً ممکن است نسخه های متعدد از جزوه "نمونه حیات بهائیس" خریداری و از اوراق ضمیمه نیز نسخه هایی بوسیله چاپ پست یا تنسیل تهیه کرده مورد استفاده قرار دهید . یا اینکه ترجیح

دهید از مجموع آنها خودتان نشریه^۱ مخصوص تهیه نمائید .
مطلب مهم اینست که توصیه های اخلاقی و روحانی موجود است
در آثار مبارکه و سیمما^۲ انتشار یابد و بطور شایسته تفهیم شود
و احبها تشویق بمتابعت آن گردند .

حضرت ولی امرالله چنین فرموده اند :

" عالم انسانی با تحمل مصائب و ابتلائات باکمال سرعت بسوی
سرنوشت خود پیش میرود . اگر ماسهیل انگاری کنیم و بوظیفه خود
عمل ننمائیم شکی نیست از دیگران خواسته خواهد شد بفریاد های
مضمراتنه این دنیای صهیبت زده کمک و توجه نمایند نه باکثرت
نفرات و نه با ارائه اصول و مبادی جدید و گرانتقدرونه از طریق
یک جهاد تبلیغی هر قدر عالمگیر و جامع الاطراف و نه حتی باتمسک
شدید و ظهور شوق و ذوق و شدت ایمان نمی توانیم امیدوار باشیم که
تاد رخواهیم بود ادّای فخرم ظهور اعظم بهائی را در نظر مردمانی
چنین شکاک و متمصب در صری چنین مظلّم بشموت برسانیم .
فقط و فقط یک موضوع میتواند بالاتر رود و بتنهائی مظفریت^۳ بچون
و چرای این امر مقدّم را تأمین کند و آن اینست که بهیمنم حساسات
مادی و وضع صفات و سجایای خصوصی ما تاچه درجه کفمان اصو
جاودانی شریعت حضرت بهاء الله را در جلوه های گوناگون آن
منعکس میسازد .

با تقدیم تحیات بهائی
بیت العدل اعظم
(ترجمه)

" حیات بهائیس "

چه بسا اولسان اطهر میثاق شنیده شد که اگر فردی از افراد احباً با اجرای یک تعلیم از تعالیم الهیه در نهایت توجه و تجرد و همت و استقامت قیام نماید و در تمام شئون حیات خویش این یک تعلیم را منظور نظر داشته بتعامنا اجرا نماید عالم عالم دیگر شود و ساحت فیهرا جنت ابهی گردد (ملاحظه نمائید که اگر احبای الهی کلاً فرداً و مجتمعاً با اجرای وصایا و نصایح قلم اعلی قیام نمایند بچه خواهد شد ۰۰۰)

(قسمتی از توفیق مبارک حضرت ولی امرالله خطاب به احبای اصفهان و غیره مورخ ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۴۱)

ملاحظه فرمائید که در الواح مقدسه و کتب الهیه و وصایای مبارکه احبای الهی بچه حدی مأمور بپرهیزگاری و خیرخواهیس و بردباری و تقدیس و تنزیه و انقطاع از ماسوی الله و تجرد از شئون دنیا و تخلقی به اخلاق صفات الهیه هستند (باید بهر نحوی که ممکن است قبل از هر چیز قلب را صاف و نیت را خالص نمود و الا اقدام بیهیج امری نتیجه و ثمری نبخشد) (باید از تصنع و تقلید احتراز جست چه که رائحه منتنه اش را هر ماعقل هوشمند ی فوراً ادراک مایند " باید اوقات مخصوصه تذکر و تنبه و دعا و مناجات را

فراموش ننمود چه که بدون فضل و عنایت الهیه موفقیت و ترقی و پیشرفت در امور مشکل و بلکه منتفع و محال . نמידانید که محبت خالصانه و صداقت و خلوص نیت چه اثری در نفوس نماید ولی تحقیق این امر منوط ب سعی و کوشش هر فردی از افراد در هر روزی از ایام است . باید اولاً بسلوک و افعال و بعد از آن بدلائل و اقوال اثبات نمود که وجود الهیه محتوم است و واقع و بشارات الهیه ظاهر است و کامل . تا نفوس کامله بعبدان نیایند و شاهد هر انجمن نگردند اثبات این امر بدانایان ام بسیار مشکل و اگر مؤمنان و مؤمنات مظهر این کمالات شوند لزوم به بیان و اقناع نه . نفس اعمال دلیل است و نفس رفتار کافل حفظ و صیانت و شوکت امرالله . (قسمتی از توفیق مبارک حضرت ولی امرالله دسامبر ۱۹۲۳ - خطاب به احبای شرق)

در ادامه

" وظیفه و افتخار ما آنست که عشق و اخلاص خود را نسبت بامر محبوب بمرحله فعل وصل در آوریم بطوریکه مودی بخیر و صلاح نوع بشر بشود " (نقل از مرقومه حضرت ولی امرالله مسورخ ۳۰ اکتبر ۱۹۲۴ بیکنفر از یاران)

(" هرگاه بیانات حضرت بهاء الله و حضرت صدالبها را با کمال خلوص و دقت مطالعه کنید و در آن تعمق نمائید بحقایقی پی خواهید برد که تا آنوقت بر شما مجهول بوده و بصیرت شما

نسبت بمسائلی که متفکرین جهان را بجهت و پریشانی مبتلا ساخته
 روشن خواهد شد." ()
 (نقل از مرقومه حضرت ولی امرالله موع ۳۰ ژانویه ۱۹۲۵ بیکنفر
 از احبّا)

"موضوع مهم اینست که " بحیات بهائی صل کنیم (یعنی
 زندگی ما چنان مشحون از تعالیم الهی و روح بهائی باشد که
 مردم واضحاً در طرز رفتار و اعمال ما یک نشاط و قدرت و شوق
 و خلوص و صفا و تأثیری ببینند که ما را از مردم دنیا پرست ممتاز
 دارد و مردم بتعجب و تفکر آیند که سر این حیات جدید چیست ؟
 ما باید کاملاً منقطع بود و تابع اراده الهی باشیم چنانکه هر روز و هر
 لحظه تنها بآن چیز صل کنیم که خدا از ما خواسته است و طبق
 اراده او صل نمائیم) . اگر ما صمیمانه چنین کنیم آنوقت اتحاد
 و اشتاق کامل میان همه ما حکمراً خواهد بود (هر جا وحدت و
 یگانگی نباشد روح حقیقی بهائی وجود ندارد . ما دام چنین
 تغییر حالت و قدرت جدید و محبت و یگانگی متقابل در زندگی ما
 تحقق نیافته است تعالیم بهائی بر روی ما جز اسمی بیش نیست ")
 (نقل از مرقومه منشی از طرف حضرت ولی امرالله موع ۱۴ فوریه
 ۱۹۲۵ بیک نفر از احبّا)

" اگر ما بهائیان نتوانیم میان خودمان وحدت و اشتاق صمیمانه

برقرار سازیم در این صورت از تحقق مقصد اصلی که حضرت باب و حضرت بهاء الله و حضرت مولی الوری حیات خود را وقف آن کرده و بناظر آن تحمل مصائب فرمودند محروم خواهیم ماند .

۱- برای حصول این وحدت تصمیمانه یکی از لوازم اولیه که از طرف حضرت بهاء الله و حضرت مهد البهاء تأکید شده آنست که از تمایل فطری بشری که همانا توجه به معایب و نقائص دیگران است بپرهیز و محبوب نفس خود مشغول شویم . هر یک از ما تنها مسئول حیات نفس خویش است مسلما هر یک از ما از رتبه کمال یعنی آن کمالی که مخصوص پدر آسمانی است بسیار بدور است و لذا وظیفه داریم که با تمام توجه و قوت اراده و منتهای قدرت حیات و سجایای خود را بطرف کمال رهنمون شویم اگر ما اجازه دهیم که تمام وقت و نیروی ما صرفا برای نگهداری دیگران در راه راست و رفع صوب آنان صرف شود باید بدانیم وقت گرانهای خود را ببهوده تلف کرده ایم (ما مانند کسانی هستیم که زمین را شخم میزنند و هر یک از آنها با گروه خود باید سهم خود را در شخم زدن ادا کند و برای اینکه شمارا و مستقیم پیش برود باید چشم خود را بمقصد دوخته و تمام حواس خویش را متوجه کار خود سازد هرگاه متوجه اطراف شود و بخواهد ببیند صر و زید چکار میکنند و از شخم زدن آنها ایراد بگیرد بدون شک شمار خود او کج و معوج خواهد شد .

تعالیم بهائی در هیچ مورد باندازه لزوم اجتناب از صوب خویش و فیهت موکد و الزام آور نیست . ما باید با کمال جدیت در صدد

کشف رفع صوب خود برائیم و بر نقائص خود فائق آئیم .

اگر ما بحضرت بهاء الله و حضرت مولی الوری و ولی عزیز امر الله

ایمان داریم پس باید عشق خود را با اطاعت نسبت باین تعالیم بطور قطعی و صریح ابراز داریم آنها از ما فعل می‌خواهند نه حرف و هر قدر بیان احساسات ایمانی و تعلق آمیز ما شدید و بر حرارت با بهیچوجه جبران تکاهل در زردن نادرستی بر طبق روح تعالیم الهی را نخواهد کرد -

(از نامه مورخ ۱۲ مه ۱۹۲۵ بقلم منشی که از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم گردیده است)

"در باره اینکه آیا صلاح است بخاطر نجات کسی بفرستیم حقیقت سخنی گفته شود حضرت ولی امرالله عقیده دارند ما بهیچوجه نباید برخلاف حقیقت صحبتی بکنیم اما در همین حال باید سعی کنیم از راه موجه تری بان شخص کمک نمایم . البته ما نباید در ابراز مطلب پیشدستی کنیم مگر آنکه مستقیماً از ما خواسته شود" (از نامه منشی مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۲۷ که از طرف حضرت ولی امرالله یکی از احباب مرقوم شده است)

"نهایت فراموش کنیم که از خصوصیات این دنیا زحمت و مشقت و صائب است و تنها با قلبه بر آنهاست که ما بتوانیم رشد و نمو اخلاق و روحانی باشیم . فرموده حضرت صد الهیاء قم و اندوه مانند شمار بر زمین است هرچه شمار صیقلی باشد حاصل بیشتر است"

(از نامه مورخ ۵ نوامبر ۱۹۳۱ که توسط منشی از طرف حضرت ولی امرالله یکی از احباب مرقوم شده)

حضرت باپ در بیان میفرماید :

" هر يك از اديان گذشته استمداد آنرا داشت که جنبه جهانی حاصل کند و تنها طت اینکه موفق باشند بنیای قس پیروان آن دیانت بود و سپس مؤکداً وعده میدهد که سرنوشت شریعت من بظهوره الله چنین نخواهد بود و البته سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و تمام ساکنین جهان را شامل خواهد شد این مطلب ثابت میکند که ما عاقبت الامر موفق خواهیم شد ولس باید متوجه باشیم که بوسیله تصور و افعال در فداکاری و عدم تمرکز قوا و سعی خودمان در سهیل اشاعه امر الهی موجبات تأخیر این منظر اساسی را فراهم نسازیم . باین معنی که هرگاه تأخیری حاصل شود مادر مقابل خداوند مسئول حالت سرگردانی و ضلالت نوع بشر خواهیم بود و جنگ و خونریزی بر طرف نگردید و هائب ظالم انسانی امتداد خواهد یافت " .

(از مکتوب مورخ ۲۰ فوریه ۱۹۳۲ که از طرف حضرت ولی امرالله بمخلف روحانی بهائیان امریکا خطاب گردیده)

" هر روزی را احتیاجاتی است در ایام اولیه امرالله بشهدار نفوسیکه تحمّل همه گونه شکنجه و عذاب برای اعلان ایمان خود

و اشاعه و ترویج پیام الهی کنند احتیاج داشت . حال آن زمان گذشته است و اکنون امرالله بشهادتی که در راه عقیده خود کشته شوند احتیاج ندارد ولی بخادمین نمازمنداست که بتلخیص پردازند و اساس امرالله را در سراسر عالم مستقر سازند .

(در حال حاضر زندگی کردن برای تلخیص مانند شهادت در ایام اولیه امر است . روحی که ما را بهیچان میآورد اهمیت دارد نه صلی که از آن روح ناشی میشود و با آن روح ما باید با جان و دل بامر الهی خدمت کنیم)

(نقل از مکتوب از طرف حضرت ولی امرالله مورخ ۳ اوت ۱۹۳۲ بیک نفر از احباب و منتشره در اخبار امری امریکا شماره ۶۸ — مورخ نوامبر ۱۹۳۲ صفحه ۳)

" حضرت ولی امرالله صیغانه امیدوارند با این فداکارها آن بنای عظیم تکمیل یافته و مرکز و محور اشاعه روح و تعالیم امرالله در آن اقامت گردد تا نور هدایت از آن سطوح گردد و بطوب بشر رنج دیده و انسرده سرور و امید بخشد .

اگر بتاريخ نهم مراجع فرمائید خواهید دید چگونه شجر امن الهی با فداکارهای مستقر باران سقاه شده است و امیر حضرت بهاء الله طی رفیق مشقات و صائب و متعبد امین در سراسر عالم مستقر گردیده است "

(نقل از مکتوب مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۳۲ که از طرف حضرت ولی امرالله
 یکی از بیماران مرقوم و در اخبار امری شماره ۷۷ مورخ سپتامبر ۱۹۳۳
 درج گردیده است)

"توصیه حضرت ولی امرالله دائر بر اینکه وقت خود را بمن
 خدمت به امرالله و مباشرت بسایر کارها تقسیم نکند همانست که
 حضرت بهاء الله و حضرت صدالبها" بیماران توصیه فرموده اند
 میان دو آیه از کتاب اقدس یکی دائر بر اینکه هر فرد بهائی مکلف
 است بترویج امرالله بپردازد و دیگری مشعر بر اینکه هر نفسی باید
 به کاری که بنفع جامعه باشد اشتغال ورزد توافق سازش وجود
 دارد. حضرت بهاء الله در یکی از الواح خود مفرماید که الیسوم
 عالمترین نوع انقطاع انست که بحرفه ای اشتغال ورزند و مخارج
 خود را تامین نمایند. بنا بر این یک بهائی خوب کسی است که
 زندگی خود را طوری مرتب نماید که هم احتیاجات مادی خود را
 مرتفع سازد و هم بخدمت امرالله موفق شود"

(نقل از مکتوب مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۳۳ که از طرف حضرت ولی امرالله
 یکی از احباب مرقوم گردیده است)

"لزومی به تذکار این مطلب نیست که حضرت ولی امرالله
 صیغاً از تسلط عوامل منفی بر اجتماعات بهائی و مخصوصاً اجتماع مهمن
 مانند کانونشن متأسف هستند"

بیانات مکرر حضرت عهد البها در باره وحدت و اشتراك مساعی میان یاران در این اوقات بیش از هر موقع دیگر باید منظور و ملحوظ گردد . هیچ چیز با روح امر ناسازگارتر از این نیست که اختلاف و ستیز که منبث از خود خواهی و طمع ورزی است ، حاصل شود . انقطاع صرف و خدمت صادقانه تنها نیروی فعاله هر مؤمن حقیقی است و نادام که هر یک از یاران این صفات و سجایا را در زندگی علی خود بکار نهند امید به پیشرفت و ترقی بیشتر نمیتوان داشت امروز وحدت فکر و عمل از هر موقع دیگر لازمتراست . امروز روزی است که امرالله بهر حال جدیدی از رشد و توسعه خود وارد میشود و دستگاه اداری آن بتدریج در میان طغیان و هیجان مدنیّت متشنج ، تحکیم مییابد و یاران باید در مقابل قوای ناراضی و متفرق داخلی جبهه متحد و متشکل یک پارچه ای بیارایند زیرا هرگاه چنین قوای مخرب از میان نرود مساعی ما را بطور اجتناب ناپذیر بناهوی خواهد کشید "

(مکتوب مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۳۳ که از طرف حضرت ولیّ امرالله بیکی از یاران مرقوم گردیده .)

" حضرت ولیّ امرالله از این واقعیت نامطلوب که نمایندگان بزرگترین مؤسسه اداری امرالله در کشور شما اجازه داده اند اختلافات و سوء تفاهات تا این حد افزایش یابد بسیار متأسفند

منحصراً با توجه باینکه اصول و قوانین نظم اداری را جز "بجز" و باکمال وضوح از زمان صعود حضرت مولی‌الوری بهمد بکرات و موکداً در طی "تولیمات متعدد" تشریح فرموده اند .

اینگونه مشکلات هرگاه فوراً و قویاً جلوگیری نشود ممکن است تصدمات کلی بهیكل امرالله وارد سازد و نه فقط آنرا از جریان بازدارد بلکه بروج نفاض آن در جهان لطمه زند اگر بطور دقیق و بی‌مخاضانه بسرچشمه جمیع این گرفتاریها و اختلافات تمعن شود همواره احساس جاه طلبی و خودخواهی را منشاء آن خواهیم یافت و تا موقعیکه این احساسات زهرآگین بکلی از میان نرود امیدی برای جریان موثر و مشرف دستگاه اداری امرالله نخواهد بود .

(از مکتوب مورخ ۱ مه ۱۹۳۴ که از طرف حضرت ولی امرالله بمخفل روحانی ملی هند و برما مرقوم گردیده .)

در حالیکه حضرت ولی امرالله تاکید مفرماید با موانعی که بی‌راه شما پیش آمده باکمال شجاعت مقابله و آنها را از میان بردارید در ضمن حال توصیه مفرماید که در صورت عدم موفقیت در آن و باوجود هرگونه پیش آمد سرور و راضی بوده و کاملاً متوکل بر مشیت الهی باشید . ابتدائات و امتحانات و افتتانات بعضی اوقات مواهب الهیه هستند که در خفا بما ارزانی گردیده و بما

می آموزند که بیشتر بخداوند ایمان و اعتماد داشته و باینوسیله
باو تقرب جوئیم "

(از مکتوب مورخ ۲۸ آوریل ۱۹۳۶ که از طرف حضرت ولی امرالله
بیکی از احباب مرقوم گردیده)

✂ " مگر نه اینست که حضرت بهاء الله بما اطمینان داده اند
که بلاها و محرومیتها مواهب خفیه هستند که بدانوسیله قوای
درونی و روحانی ما تجهیز شده خالصتر و بر قدر تر و ارزشمند تر
میشوند ؟ بنا براین بکوش و مطمئن باش که متاع مادی موجب تعویق
فعالیتهاى امری نشود بلکه باعث چنان انتعاش قلبی شود که بهتر
بخدمت در پیشرفت صالح امرالله بپردازى " .

(از مکتوب مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۳۶ که از طرف حضرت ولی امرالله
بیکی از احباب مرقوم گردیده)

" کوشش فردی در حقیقت از شروط اساسی برای تشخیص و قبول
امر الهی است .

هر قدر تأییدات الهیه شدید باشد اگر باساعی مدبرانه و مداوم
شخص توانم نگردد فاقد تأثیر لازم و قطعی بوده بطور حقیقی و باید
شمر شم نخواهد بود " .

(از توثیق مبارک مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۳۸ که از قبل همکل مبارک
خطاب بیکی از یاران مرقوم یافته است)

" بر موانعی نظیر مرض و مشکلات خارجی هر قدر در نظر اول شدید و فیهر قابل جبران باشد میتوان و باید از طریق کوشش مداوم و ادعیه فائق گردید . مگر حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء کراماً بما اطمینان نداده اند که جنود فیبیه الهیسه افرادی را که شجاعانه و باکمال اطمینان در سیلشان میکوشند نصرت دهند و یاری نمایند . این اطمینان باید شما را قادر سازد که بر هر احساس عدم لیاقت و کفایت در خدمت امر و بر هر نوع مشکلات ظاهری و باطنی و یا محدودیت که بپیم تضعیف نیروی خدمت بامر دران باشد فائق گردید . باید با قلبی طامح از سرت و اطمینان قیام نمائید و سهم خود را بتمام قوا برای انتشار و توسعه بیشتر امر محبوب ایفا نمائید . هر میدان خدمتی که برای خود در نظر میگیرید خواه برای تبلیغ باشد و یا خدمت در تشکیلات اصل لازم و ضروری این است که از مجاهده در سبیلش باز نایستید و نگذارید توجه به کمبودهای شخصی در طلاقه شما بخدمت امر ادنی نقصانی پدید آورد چه رسد باینکه مانع از خدمت پرشور و مؤثر شما گردد . . ."

(از تو جمع مورخ ۶ فوریه ۱۹۳۶ که از قبل هیکل مبارک خطاب بیکی از یاران فرصدور یافته است)

" هر قدر امتحانات و مشکلات زیاد باشد باید بر مراتب ایمان و توجه شما باین امر بیفزاید . زیرا بوسیله امتحانات و افتانات

مکرر خداوند بندگان خویش را آزمایش میکند بنابراین باید مشقات و امتحانات را بمنزلهٔ هرکت الهی دانست که باین صورت ظاهر میشود و بمثابهٔ فرصتی شمرد که بوسیلهٔ آن میتوان آگاهی کاملتری دربارهٔ اراده و مقصد الهی بدست آورد .
 (از توقیع مورخ ۲۳ فوریه ۱۹۳۹ که از قبل هیکل مبارک خطاب میکنی از یاران مژ صدور یافته است)

" بنظر هیکل مبارک دورهٔ درسی که دربارهٔ اخلاق و صفات بهائی قرار است در آن شهر تدریس گردد بسیار مهم است و باید توجه شدید بآن مبذول گردد و بدقت کامل بخصوص توسط جوانانی که در این مدرسه شرکت دارند مورد مطالعه قرار گیرد . بمعیار اخلاق و رفتار بهائی که هیکل مبارک در آخرین اثر خویش " کتاب ظهور عدل الهی " بیان فرموده اند و وظیفهٔ اساسی هر فرد مؤمن دقیق بهائی است که آنها را بکار بسته و ترویج نماید لازم است مورد مطالعه دقیق قرار گرفته و محور اصلی برنامهٔ امسال مدرسه تابستانه در امریکا باشد ."
 (از توقیع منیع مورخ ۲۰ من ۱۹۳۹ که از قبل هیکل مبارک خطاب به لجنهٔ مدرسهٔ تابستانی لوهلن مژ نزول یافته است)

" شما از شرایط نامطلوبی که در جامعهٔ بهائی در آن نقطه وجود دارد شکایت کرده اید هیکل مبارک از وضع امر در آن منطقه

بخوبی آگاهند ولی مطمئنند که موانعی که امر با آن روبروست از هر نوعی که میخواهد باشد بالاخره مرتفع خواهد شد . شما تحت هیچ شرایطی نباید مایوس شده و بخود اجازه دهید اشکالاتی که ممکن است در اثر سوء رفتار و یا عدم کفایت و بصیرت بعضی از افراد جامعه بوجود آمده است شما را از تعلق بامر و وفاداری - نسبت بآن باز دارد . مطمئناً افراد مؤمنین را هر قدر لایق باشند خواه مبلغ و خواه عضو تشکلات و هر قدر سجایای فکری و روحانی آنها رفیع باشد نباید بعنوان نمونه ای که بر اساس آن قدرت و عظمت امر الهی سنجیده میشود ، در نظر گرفت . افراد احبباً باید بتعالیم الهیه و حیات مؤسسه این امر اعظم برای هدایت و الهام ناظر باشند . فقط بوسیله توجه تام و واقعی باین طرز فکر است که میتوانند امیدوار باشند وفاداری خود را نسبت بحضرت بهاء الله بر پایه های مستحکم و استوار بنام سازند . شما باید با قدرت و هوشماری کامل و مجاهدت خستگی ناپذیر سهم خود را در توسعه تدریجی نظام الهی بهائی ایفا نمائید .

(از توفیق مورخ ۱۳ اگست ۱۹۳۹ که از قبل هیکل مبارک خطاب میکنی از یاران فرصدور یافته است)

در این ایام در واقع ایمانی است که در آن شجاعت و شهامت مؤمنین مورد نیاز است . فداکاری شخصی - امید و اطمینان خلل ناپذیر از سجایای است که مؤمنین باید بدان متصمم باشند

زیرا این صفات باعث خواهد شد که توجه جامعه را بخود معطوف سازد و عموم مردم را بر آن میدارد که در صد شخص برآیند که آیا درجهائی که تا این حد نومید و دچار هرج و مرج و گمراهی است چه چیز احباً را اینگونه فداکار - مطمئن و باتیه معتقد و امیدوار میسازد .

هر قدر زمان بگذرد صفات معیّزه بهائی مردم را بیشتر جلب خواهد کرد . احباً باید بیزاری خود را از تنفر و تعصب که هادم بنیان جامعه بشری است نشان دهند و با قول و عمل اعتماد خود را بر اتحاد توأم با صلح بین تمام نژادهای بشری نمودار سازند ."

(از توفیق مورخ ۲۶ اکتبر ۱۹۴۱ که از قبل هیکل مبارک خطاب بیکی از یاران فرّ نزول یافته است)

« ما باید نظر خود را باتیه معطوف سازیم و سعی کنیم که آنچه در گذشته انجام نداده ایم اجرا نمائیم . اگر بفکری صحیح بعد م توفیق و امتحانات و بلائی که پیش میآید بنگریم میتوانیم آنها را بمنزله عواملی برای تصفیه روح و استحکام سجایای روحانی و بمشابه وسیله ای برای ترقی و تعالی خود در خدمت امر بشمار آوریم .

از توفیق مبارک مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۴۱ که از قبل هیکل مبارک خطاب بیکی از یاران فرّ نزول یافته)

" در باره نکاتی که در نامه خود بآن اشاره نموده بودید فرمودند : کشتن نفس متضمن تکامل معنوی است که بشر هرگز قادر نخواهد بود بطور کامل بآن دست یابد اما حب نفس و خودپسندی میتواند و باید بطور دائم التراید تحت الشعاع روح عالی انسانی قرار گیرد و این مفهوم واقعی ترقی روح است " (از توقیع مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۴۱ که از قبل هیکل مبارک بمکسی از یاران غرنزول یافته است)

" در باره استیفاف خواهی بهترین طریقه بنظر هیکل مبارک آن است که از هر دو طرف دعوی خواسته شود غفوا فماض نمایند . هیکل مبارک مهل ندارند یاران رسم و عادت طرح مرافعات بهائیس را طیه یکدیگر معمول کنند . وظایفی که آنها در قبال جامعه بشری برعهده دارند در این ایام که امر برای انتشار و استقلال خود مشغول جهاد روحانی است آنقدر مقدس و ضروری است که یاران باید تمام اوقات گرانبهای خود و هیکل مبارک را صرف بآن نمایند بنابراین از آنها بخواهید که با یکدیگر متحد شده گذشته را فراموش کنند و بامر مبارک بنحو پیشابقه و بروحی جدید خدمت نمایند " (از توقیع مورخ ۲۶ دسامبر ۱۹۴۱ که از قبل هیکل مبارک بمحفل روحانی ملی بهائیان استرالیا و نوزیلند غر صدور یافته است)

"فی الحقیقه یاران هنوز نیاموخته اند که از محبتی که
 به یکدیگر دارند برای تقویت و تسلی خاطر در هنگام احتیاج چگونه
 استفاده کنند . امر الهی دارای قدرت عظیمی است و طاعت اینک
 یاران بیش از این از آن استفاده نمیکنند این است که هنوز
 نمیدانند چگونه از این نیروی عظیم محبت قدرت و اغشاق
 و هم آهنگی که این امر اعظم ایجاد کرده است بهره ببرند .
 توصیهٔ هیکل مبارک شما این است که خانم مشارالیه را در زمان
 حاضر بخود واگذارید و برای او دعا کنید . چون او فعلاً از شما
 کمکی نمخواهد فقط شما میتوانید از این طریق روحانی با او کمک
 کنید . شما خدمات پرارزشی برای امر انجام داده اید و هنوز
 هم باین عمل مشغولید و این باید بزرگترین تسلی خاطر برای
 شما باشد ."

(از توفیق مورخ ۸ می ۱۹۴۲ که از قبل هیکل مبارک یکی از یاران
 فر نزول یافته است)

"یاران در مورد یکدیگر باید صبر و شکیبایی رایج سازند
 و باین نکته توجه نمایند که امر هنوز در مرحلهٔ طفولیت است
 و مؤسسات و تشکیلات آن در انجام وظایف کمال مطلوب را بدست
 نیاورده هرچه صبر و شکیبایی و تفاهم محبت آمیز یاران نسبت
 به یکدیگر و افاض نواقص بیشتر باشد ترقی جامعه بهائی بطور کلی
 افزونتر خواهد گشت ."

(از توقیع مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۴۳ که از قبل هیکل مبارک بیکی
از یاران عزّ نزول یافته است)

" ما باید نقائص خود را تشخیص داده و اجازه ندهیم
بعلمت امور نامطلوبی که گاهی از اوقات در انجمن شور ملی ویا محفل
روحانی ملی رخ میدهد ملول و ناراحت شویم . اثر این امور
سطحی است و بالاخره در طول زمان رفع خواهد شد ."
(از توقیع مورخ ۱۷ مارس ۱۹۴۳ که از قبل هیکل مبارک خطا ب
بیکی از یاران عزّ نزول یافته است)

" همه ما قادر نیستیم که بطور یکسان بامر خدمت کنیم تنها
طریقی که یک فرد بهائی میتواند بانشثار امرکک نماید عمل
بموجب تعالیم است که قلب مردم را خیلی بیشتر از قول بهبهجان
میاورد . محبتی که ما نسبت بدیگران ابراز میداریم رفق و مدار او
غناهم و علاقه در ککک بسایرین بهترین راه تبلیغ امر الهی است
وقتی که آنها این آثار را در زندگی ما ببینند بشوق خواهند آمد
که در باره امر نیز تفحص نمایند "
(از توقیع مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۴۳ که از قبل هیکل مبارک بیکی از
یاران عزّ نزول یافته است)

" هیکل مبارک از اینکه عده زیادی در انجمن شور ملی

شرکت نمود و یاران در کمال شور و شوق و اتحاد بوده اند
 بسیار راضی و خوشنودند • یکی از ضروریات برای جامعه امر ایمن
 است که یاران باید با هم متحد شوند و درک نمایند که همه بمنزله
 يك خانواده روحانی هستند و با لائق بهم مربوطند که بهراتب
 از لائق ظاهری خانوادگی مقدّس تر و پایدارتر است • اگر
 یاران به تمام قوا اختلافات شخص خود را فراموش کنند و قلب خود
 را بخاطر حضرت بها • الله بسوی محبت صیقلی که بیکدیگر دارند
 مفتوح سازند ملاحظه خواهند کرد که بر قدرت آنها بنحو وسعی
 افزوده شده است و آنها قادر خواهند بود که قلوب طامه مردم را
 تسخیر نمایند و ناظرین شرفت سریع امرالهی در آن مدینه نیز خواهند
 بود • محفل روحانی ملی باید آنچه در قوه دارد برای ایجاد اتحاد
 واقعی بین یاران بکار برد و آنان را با اصول تشکیلات واقف سازد زیرا
 این مجرائی است که بوسه آن زندگی اجتماعی یاران جوستان
 خواهد یافت • و اگر بخوبی درک شود و معرصه عمل درایند
 سبب خواهد شد که امور امریه بهمیزان وسعی توسعه یابد •
 (از توفیح مورخ ۲۶ اکتبر ۱۹۴۳ که از قبل هیکل مبارک خطاب
 بمحفل روحانی ملی بهائیان هند و برمه عزّ نزول یافته است)

"مالا تمام نبرد های زندگی در درون نفس انجام میگردد •
 تشکیلات هر قدر وسیع باشد قادر نخواهد بود که مشکلات انفرادی
 ننویس بر احوال کرده به پیروزی او کمک نموده و یا از شکست او در مواقع

حساس جلوگیری نماید. در چنین اوقات افراد بطور عموم تحت تاثیر قوای عظیمی که در این عالم وجود دارد خرد میشوند و من بینم بعضی از افراد ضعیف بطور ناگهانی و معجزه آسائی قوی میشوند و افراد قوی منکوب میگرددند. فقط میتوانیم با نصایح مشفقانه بنحویکه لجنه شما اقدام نموده است سعی نمائیم در بین یاران آنچه را که بیشتر بحال آنها مفید است تقویت نمائیم زیرا چیزی که به زبان امر باشد نمیتواند برای يك فرد بهائی منشاء خیر گردد."

(از توقیع مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۴۳ که از قبل هیکل مبارک بیکی از یاران عز نزول یافته است)

"آنچه که امروز دنیا بآن احتیاج دارد روح بهائی است مردم تشنه محبت و خواهان اصول عالیه ای هستند که بآن تمسک جویند و مشکلات عظیم خود را رفع نمایند. احبا باید بهر کسی که برخورد میکنند روح نهاض و پرمحبت امر را القا نمایند و اگر ایمن خصلت با تبلیغ توأم گردد محققاً افراد صمیم و متحریمان حقیقت را با ما جلب خواهد نمود."

(از توقیع مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۴۳ که از قبل هیکل مبارک بیکی از یاران عز نزول یافته است)

"و اما سؤال شما در باره احتیاج مبرم به وحدت بیشتر در

بین یاران : شکی نیست که این مسئله صحیح است و حضرت ولی امرالله عقیده دارند که یکی از وسائل مهمه برای توسعه امر الهی این است که افراد احبا را در کلاسهای درس و طوسی متحد المالهای مختلف باین موضوع آشنا سازیم که حب الهی و محبت بشر که بر اثر آن ایجاد میشود پایه و اساس هر دیانت و از جمله این آئین است هر چه درجه محبت بالاتر باشد اتحاد بیشتری ایجاد میشود زیرا این محبت سبب میشود که مردم یکدیگر را تحمل کنند و صبور و بخشنده باشند .

(از توفیق مورخ ۲ جولای ۱۹۴۴ که از قبل همکل مبارک بیکی از یاران فرزند در یافته است و در بهائیان نهمین شماره ۱۷۳ فوریه ۱۹۴۵ آدرج شده است)

" همکل مبارک رجا دارند که شما در احبا صفات بهائیان و ایمان بامر را ترویج نمائید هدف غائی حضرت بهاء الله آن است که افراد جدیدی خلق شوند یعنی مردمی نیکوکار، مهربان و باهوش و صدیق و شریف که بر مبنای احکام و موازین این امر اعظم که در این مرحله جدید از تکامل عالم انسانی ظاهر شده صل نمایند . خود را بهائیان نامیدن کافی نیست بلکه باید در تمام وجود ما آثار حیات بهائیان نمودار باشد ."

(از توفیق مورخ ۲۵ اوت ۱۹۴۴ که از قبل همکل مبارک خطاب به نوجوانان شرکت کنند در مدرسه تابستانه لوهلن غزنول یافته است)

" در اثر افراد در تعلق یاران با امر و عدم بلوغ فکری سو
تفاهاتی ایجاد میشود . بنابراین باید در برخورد با یکدیگر
صبر و محبت را پیشه سازیم و سعی نمائیم که وحدت را در خانواده
بهائی حفظ نمائیم .

اختلاف ماهین آن دو نفر که در نامه خود ذکر کرده اید نسیه
بعلت دشمنی با امر و یا عدم صمیمیت است بلکه طتش همان است
که در فوق ذکر شد . حضرت ولی امرالله تاکید مینمایند کسه
نهایت سعی را مبذول دارید که محبت و وفاق بیشتری بین یاران
ایجاد شود و در همین حال در تبلیغ امرش نیز کوشا باشید ."
(از توقیع مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۴۴ که از قبل هیکل مبارک خطاب
به یکی از یاران غرض دور یافته است)

" هیکل مبارک از استماع و اطلاع این خبر که گریه ایگسر
امسال از محبت و وفاق سرشار بوده و سبب تسجیل عدّه ای جدید
در امر شده است مسرورند این محبت بین یاران بمنزله مغناطیس
تائید است که بالاتر از هر امر دیگر قلوب را جلب کرده افراد
جدیدی را در ظلّ امرالله درخواهد آورد ، زیرا تعالیم و لوهورقدر
عظیم باشند نمیتواند دنیا را تغییر دهد مگر اینکه روح محبت
حضرت بها" الله همچون آئینه ای شفاف تعالیم مبارک را در
جوامع بهائی منعکس سازد ."

(از توضح مورخ ۲۷ اکتبر ۱۹۴۴ که از قبل همکل مبارک خطاب
یکی از یاران فرصدور یافته)

"فی الحقیقه اگر یاران صادقانه بکوشند و صد درصد بهائی
شوند خواهند دید که چگونه میتوانند تأثیر و نفوذ خود را در
دیگران بنحو بارزی افزایش دهند و به سرعت انتشار امر پیفزایند
انچه دنیا در جستجو و محتاج بآن است سازش با وضع حاضر
نیست بلکه نبل با هداف رفیع درخشان است هرچه یاران در شعون
مختلفه زندگی خود بیشتر بر اساس تعالیم الهی رفتار نمایند،
خواه در منزل یا در محل کار و یا در مناسبات فیما بین ، بیشتر
میتوانند نیروی جاذبه خود را برای جلب قلوب دیگران بکار برند .
همکل مبارک سرورند که شما بطور طبیعی و بدون تظاهر
با ایمان کامل و حسن نیت تمام با همه افراد سماء پوست هماعت
نموده آنانرا تبلیغ مینمائید . وقتی یاران بر اساس تعالیم امر زندگی
کنند اگرچه ممکن است مخالفت ده ای را برانگیزند ولی موجبات
تحسین و اعجاب افراد منصفین تعصب را که تعدادشان بیشتر
است فراهم خواهند نمود ."

(از توضح مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۴۵ که از قبل همکل مبارک خطاب
یکی از یاران فرزندور یافته است)

"فی الحقیقه وقتی انسان بظلمات روز افزون جهان کونسی

مینگرد بنحو کامل درمن بیاید که اگر پیام حضرت بهاء الله بقلوب
انسانها نرسد و آنها را منقلب نسازد صلح و وفا و تعالیٰ
روحانی از چهره جهان رخت برخواهد بست . امید همیشگی
همکل اطهر آنست که رفتار مؤمنین فردا فرد و نیز درحیات
جامعه بهائی چنان باشد که توجه دیگران را بامر الهی جلب
نماید . جهان نه تنها تشنه عقاید و اصول رفیع است بلکه بیش
از همه محتاج سرمشق درخشانی است که بهائیان میتوانند
و مهبایست اراک دهند . ان باشند ."

(از توفیق مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله
خطاب یکی از مؤمنین)

"در همه جای دنیا چه خارج و چه داخل جامعه امر
احساس میشود که باید يك اگاهی کامل روحانی و معنوی درزندگی
مردم پیدا شود و آنها را بتحرک درآورد ."

تشریفات اداری و نظری از مقررات نمیتواند کاملاً جانشین این
خاصیت روانی و این روحانیت شود که حقیقت انسان بشمار ضرور
حضرت ولی امرالله از اینکه این نکته مورد تأکید شماست و کمک
میکند که یاران هم باهویت وافر آن پی ببرند خوشحالتند ."

(از توفیق مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله
خطاب یکی از مؤمنین)

" و اما راجع بموضوع مذکور وعدم هم آهنگی که در میان بعضی از یاران آن سامان بچشم میخورد متذکر میگردد که وقتی بهائیان اجازه میدهند که نیروهای مظلوم جهان خارج حاکم بر روابط آنان در داخل جامعه امر باشد در واقع جویان تعالی خود را شدیداً بمخاطره می افکنند اعظم وظیفه مؤمنین و محافل روحانیه محلی و بخصوص مخمل روحانی ملی ایجاد اتفاق و تفاهم و محبت در میان یاران است . . همه بایستی آماده و حاضر باشند که دعاوی شخص خود را چه موجه و چه غیر موجه بخیر و صلاح امر الهی نادیده گیرند زیرا مردم هرگز امر عزیز الهی را نخواهند پذیرفت مگر آنکه در جامعه امر درست همان چیزی را ببینند که جهان امروز فاقد وعاری از آن است یعنی محبت و یگانگی . "

(از توثیح مورخ ۱۳ مه ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب یکی از مؤمنین)

" مهمترین موضوع آنستکه محبت و یگانگی بایستی حاکم بر جامعه بهائی باشد و این درست همان چیزی است که همه مردم در جهان مظلوم امروز در جستجوی آنند . حرف بدون عمل هیچگاه قادر نخواهد بود که روح امید را بقلب این نسل نومید و بدبین بدمسد . "

(از توثیح مورخ ۲۰ اکتبر ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب یکی از مؤمنین)

" چون شما برای حل مشکل خود به حضرت ولی امرالله رجوع کرده اید ایشان صراحتاً عقیده خود را در این مورد ابهراز میدارند .

حضرت ولی امرالله احساس میکنند که عدم هم آهنگی که در میان شما و شخص مذکور موجود است به پیشرفت امر الهی لطمه بزرگی میزند و جز تشنگی و برودت آتش شوق مومنین جدید هیچ حاصلی نخواهد داشت .

شما و ایشان باید دعاوی شخصی را به سوی نهی و بمنظور حراست امر الهی که حضرت ولی امرالله بخوبی میدانند شما همه صمیمانه دوستدار آن هستید و حاضر به هر فداکاری در راه آن میباشید ، متفق شوید . شاید بزرگترین امتحانی که افراد بهائی بایستی بگذرانند در نحوه رفتار با بهائیان دیگر است . ولی بخاطر حضرت مولی الهی آنها بایستی همیشه آماده باشند که خطاهای یکدیگر را ببخشند و برای سخنان درشتی که اد کرده اند معذرت بخواهند . ببخشند و فراموش کنند حضرت ولی امرالله در این مورد تاکید فراوان دارند .

همچنین ایشان عقیده دارند که شما و نامبرده نهایتاً از احتیالات و حیافات در آن مدینه بدور مانید امروز شما گروه پرشوری از جوانان بهائی در پیورت ادلائید فراهم آورده اید و بر شماست که شما ای از نظام تشکیلات بهائی و اتحادی را که میتوانید و بایستد حاکم برجامعه اسم اعظم باشد به آنها بنمائید " .

(از توقیع مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولیّ امر اللّٰه
خطاب بیکی از مومنین)

" شما در باره عدم هضم مفاهیم روحانی سؤال کرده اید
بہائیان باید سعی کنند کہ روحاً و فکرآً من جمیع الجہات جامع
و طبیعی و متعادل باشد . ما نباید طوری رفتار کنیم کہ دیگران
ما را متعصب انگارند ولی در عین حال نہایستی از اصول و موازین
دیانت خود سرپیچی و تعدّ نہائیم "

(از توقیع مورخ ۱۲ مارس ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولیّ امر اللّٰه
خطاب بیکی از مومنین)

" مطمئن باشید کہ حضرت ولیّ امر اللّٰه برای اتحاد و وفاق
بین مومنین ان مدینہ دعا خواهند فرمود زیرا این موضوع حائز اهمیت
شایان است و پیشرفت و ترقی امر الہی و موفقیت ہر کوشش تبلیغی
بآن مربوط میشود .

انچہ یاران الہی در ہر جا بآن احتیاج دارند عشق و ملاقہ
بیشتر نسبت بہ یکدیگر است و این امر از طریق عشق بیشتر نیست
حضرت بہاء اللّٰه محقق میگردد . زیرا اگر ما حضرت بہاء اللّٰه را
انقدر کہ میبایست دوست داشتہ باشیم بافراض و دعوای
شخص خود اجازہ نخواہیم داد کہ مانع پیشرفت امر انخمش گردد
در آن صورت آمادہ خواہیم بود کہ جان خود را فدای یکدیگر

سازیم تا آئین الهی پیشرفت کند و چنانکه حضرت عبدالبهاء
فرمودند مانند روحی در ابدان متعدد گردد .
(از توقیع مورخ ۵ سپتامبر ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امرالله
خطاب بیکی از مومنین)

" حضرت ولی امرالله در این موضوع با شما هم عقیده اند
که اگر ما بدستورات امر عامل نباشیم توقع پیشرفت آنها هم نبایند
داشته باشیم زیرا مقصد و مراد اصلی همه ادیان منجمله
دیانت حضرت بهاء الله تقرب انسان بدرگاه خداوند و درگون
کردن صفات انسانست که دارای اهمیت بسیار است .
معمولاً در مورد جنبه های اجتماعی و اقتصادی تعالیم حضرت
بهاء الله تاکید فراوان میشود ، ولی اهمیت جنبه اخلاقی
در دیانت حضرت بهاء الله چنان آشکار و مبرهن است که تأکیدی
بیشتر ممکن نیست " .

(از توقیع مورخ ۶ سپتامبر ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امرالله
خطاب بیکی از مومنین)

" حضرت ولی امرالله از اینکه شما دوره ای تحت عنوان
اخلاق و صفات بهائی دایر کرده اید بسیار سرور شدند زیرا
ایشان معتقدند که یکی از بزرگترین فرائض نسل از بهائیمان
که شما بآن تعلق دارید عمل کردن با اصول و مبادی دیانت

بهائی است . شما میبایست با نشان دادن تربیت عالی ، اخلاق
 ، تواضع ، شخصیت و نجابت خود این موضوع را اثبات کنید که
 دنیات بهائی حریف نیست بلکه بواقع مقلب قلوب و رفتار پیروان
 خویش است " .

(از توفیق مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امرالله
 خطاب بدوره نوجوانان مدرسه لوهلن ایالات متحده آمریکا)

" حضرت ولی امرالله عقیده دارند که جوانان بهائوسی
 مخصوصاً بایستی همیشه کوشا باشند که سرمشق و نمونه حیات
 بهائی باشند . جهان اطراف ما را فساد اخلاق ، افشاش و عدم
 خت ، هزگی و بد رفتاری نپر کرده است جوانان بهائی میبایست
 دشمن این مفاسد باشند و بپاکی و پاکد امنی ، صداقت ، نجا
 تحمّل و رفتار نیک خویش دیگرانرا از پیر و جوان به امر الهی
 جلب نمایند . جهان از حریف خسته شده و تشنه صل است و
 جوانان بهائی باید جو ابگوی این انتظار باشند "

(از توفیق مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امرالله
 خطاب بجوانان حاضر در مدرسه تابستانه گرین ایگر)

" یاران الهی بایست در تمام موارد این موضوع را بگوش
 هوش بسپارند که آنان در واقع چون سربازانی هستند که معرض
 حمله و هجوم دشمنانند . جهان امروز در ظلمت روحانوسی

روز افزون بسر میرود

نفرتها و تعصبات گوناگون منقریب جهان را نابود خواهد ساخت ، از سوی دیگر ما پاسداران نیروهای مخالف نفرت و تعصب یعنی محبت و اتحاد و صلح و یگانگی هستیم و بایستی همواره آماده و بهدار باشیم مبادا فرداً و یا جمعاً وسیله انتقال این نیروهای مخرب و منفی بداخل جامعه خویش گردیم . به عبارت دیگر بایستی هوشیار باشیم تا مبادا تنهاهی جامعه خارج بلا اراده در رفتار و نظرات ما منعکس و مؤثر گردد .

محبت بیکدیگر و احساس این که ما ترکمبب جدید ، مطلع انوار در افق جدید و حارسان نظام جدید جهانی هستیم بایستد حیات بهائی ما را مداوماً شاداب سازد باید همیشه دعا کنیم که از آلودگی جامعه ای که هر روز مبتلای به تعصبات جدید میشود برکنار و مصون بمانیم "

(از توفیق مورخ ۵ فوریه ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب بمخفل روحانی محلی بهائیان آتلانتا جورجیا نقل از مجله اخبار بهائی) شماره ۲۱۰ و ۱۹۴۸ صفحه ۲)

" امر الهی در آن دیار بطور روز افزون در گسترش است و هر چه بیشتر توسعه یابد توجه مردم بیشتر بآن جلب خواهد شد . ولذا مسئولیت بیشتری متوجه مؤمنین خواهد گردید ، زیرا ایشان مبیایستی چنان تعالی بمحبت و یگانگی در میان خویش نشان

دهند که قلوب دیگران را جذب کنند و آنها را به پیوستن گروه
گروه به امر الهی تشویق نمایند . ما همواره بایست بخاطر
داشته باشیم که تعالیم الهی در این دور اعظم کامل است و تنها
فلتی که تعداد بیشتری از هموعان ما به امر الهی رو نمیکند
انستکه ما که ادعای بهائی بودن داریم براسنی اثینه تمام نعی
تعالیم حضرت بهاء الله نیستیم . ما بایستی بطور مداوم بکوشیم
که نمونه شاخص تعالیم حضرتش باشیم ."
(از توقیع مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله
خطاب بیکی از مومنین)

"ما بهائیان باید انکار خود را حصر در تحسین رفتار و تهذیب اخلاق
و تکمیل شخصیت روحانی خود نمانیم و در راه پیشرفت و تحقق نظام
جهانی حضرت بهاء الله که هنوز در مرحله جنینی است و بدرستی
درک نشده است ، گام برداریم و پیام حضرت بهاء الله را انچنان
که در نقشه ملکوتی پیش بینی شده است منتشر سازیم و بایجاد
جامعه جهانی و متشکل بهائی مشغول شویم ما تعدادی قلیل
هستیم ولكن وظیفه ای خطیر و منحصر بفرد و حتمی داریم
که میبایستی جمیع قوای خود را در طریق تحقق ان بکار بندیم ."
(از توقیع مورخ ۹ مه ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب
بمخلف روحانی ملی ایالات متحده و کانادا)

" فرد بهائی بعنوان سنگ زیر بنای جامعه امر الهی در جبهه داخلی هر منطقه مسئول قطعی و نهائی تجدید حیات و توسعه و تحکیم فعالیت‌های آن است هر چه این کوشش مستمر و یومیه فردی در جبهه داخلی برای وصول به قله رفیعۀ انقطاع و از خود گذشتگی وسیع تر باشد و از طریق مهاجرت‌های داخلی بتعدد و ازدیاد نقاط و جمعیتها و محافل متفرق و دوردست بهائی بیشتر کمک کند و با کوشش مداوم و پرمشقت و جلب نفوس مستعد، باین امر فخریم مقدس که مورد اعتقاد قلبی اوست بر تعداد پیروان صمم و فعال امر الهی بیفزاید نتیجتاً اقدامات وسیع و متعددی که در آنسوی مرزها دنبال میشود و برای موفقیت آنها امروزه بیش از هر وقت دیگر به نفوس مخلصه و وسائل ضروری احتیاج است زودتر بانجام خواهد رسید .

(از توتومح مبارک مورخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۷ خطاب بمحفل روحانی ملی بهائیان آمریکا)

" در خصوص سئوالی که کرده اید در آثار بهائی در حقیقت نفس دارای دو مفهوم است و یا در دو مفهوم بکار میبرود . یکی نفس بعنوان هویت شخص انسانی آنگونه که خداوند او را آفریده است این حقیقت در مهاراتی نظیر (من عرف نفسه فقد عرف ربه) استعمال گردیده است .

نفس دیگر نفس اماره است و آن میراث مظلم و حیوانی است که

همه ما آنرا داریم . و همان طبیعت دون بشری است که میتواند بدیو موحش خودپرستی ، خشونت ، شهوت و فحشه تبدیل گردد . این نفس آماره است که میبایست طیه آن بیکارکنم و این جنبه منفی طبیعت ما بست که باید با تمام قوا بکوشم تا آنرا آزاد سازیم و در راه وصول بکمال یاری کنیم ، یا اینکه لا اقل جنبه بهیمنی و آمال و آرزوهای ناشی از آنرا تابع جنبه های عالی و ملکوتی شخصیت خود قرار دهیم .

مالاً گذشت و فداکاری در عالمتربین مفهوم خود آنست که اراده و هستی خویش را در اختیار پروردگارمان قرار دهیم تا هرچه اراده او است مجری دارد . در این مقام او نفس حقیقی ما را تطهیر میکند و جلا میدهد تا بحقیقتی درخشانده و متعالی مبدل گردد " (از توفیح مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب بیک از مومنین)

" فی الواقع خصلت از خود گذشتگی و فداکاری در خدمت امر الهی مطلوب و مأجور است نه وسائل یا لیاقتها و یا ثروت " (از توفیح مورخ ۱۱ مه ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب بمخلف روحانی ملی استرالیا وزلانند جدید)

" ما نباید اهمیت چندانی به روش و احساسات دیگران نسبت بخود بدیم مهمترین امر ترویج عشق و طلاقه و ناچیز انگاشتن

خرد و گیربهاست . باین ترتیب بضعف طبیعت انسانی و نظرات خاص و روش هیچ فرد بخصوص اهمیت فوق العاده داده نخواهد شد بلکه برعکس این نقائص در پرتو خدماتی که متحدانه در طریق امر محبوب خود صرف میکنم محو و زائل خواهد شد .
 (از توفیح مؤرخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب بیکي از مومنین)

" غالباً اشکالی که در انجام بعضی امور داریم بواسطه آنست که این امور نوعاً با آنچه که ما با آن خو گرفته ایم فرق میکند و الا هیچ کاری بنفسه صعوبت و دشواری خاصی ندارد .
 برای شما و بسیاری از احبباً که امروز بعنوان اشخاص بالغ این امر اعظم را پذیرفته اند درک و انجام بسیاری از احکام نظیر نماز و روزه ممکن است در وهله اول مشکل باشد ولی ما همیشه باید بخاطر بسیاری که این دستورات برای تعامی نوع بشر در طی هزار سال آینده وضع شده است . برای اطفال بهائی که از ابتدا در خانه با این امور آشنائی و انس پیدا میکنند انجام این فرائض همسر چون رفتن بکلیسا برای مسیحیان معتقد امری کاملاً عادی و ضروری خواهد بود .

اگر این دستورات برای ما سودمند نبود حضرت بهاء الله چنهم نمیفرمودند و ما همچون طفلان زیرک و فهیم که بمراتب تدبیرو درایت

پدر معتقدند و ایمان دارند و میدانند که اوجز در طریق صلاح انسان گام بر نگیرد باید انجام این دستورات را بپذیریم حتی اگر در بد و امضورت آنرا تشخیص ندهیم وقتی باین دستور عمل کردیم کم کم نتایج حاصل از آن را در وجود خویش ملاحظه خواهیم کرد " (از توقیع مورخ ۱۶ مارس ۱۹۴۹ از قبل حضرت ولی امرالله خطاب یکی از مومنین)

"... ما وقتی از این وقایع ناگوار رنج میبریم نباید فراموش کنیم که انبهای الهی نیز از این امور که افراد عادی را مس آزارد صون و محفوظ نبودند. آنها نیز غم و بیماری و درد را میشناختند ولی با تعالی روح خویش از دسترس این آفات و بلاها بدور میماندند. ما نیز در هنگام ابتلای باین بلاها باید بهمین ترتیب عمل کنیم رنجهای این جهان گذران است و آنچه باقی میماند چیزی است که از روح خود ساخته و پرداخته ایم. پس هدف و برنامه ما باید این باشد که روحانی تر شویم بخدا قرب بیشتری پیدا کنیم. صرفنظر از اینکه فکر و جسم ما متحمل چه مصائب و متاعی گردد"

"از توقیع مورخ ۵ اوت ۱۹۴۹ از قبل حضرت ولی امرالله خطاب یکی از مومنین که در مجله بهائی نپوز شماره ۲۳۱ مه ۱۹۵۰ - صفحه یک درج گردیده است)

"حضرت ولی امرالله از استماع آنچه نوشته بودید بسیار

متأسف شدند . این نشانه عدم بلوغ روحانی بعضی از احبباً
و فقدان شگفت آور غناهم و عدم مطالعه و تعمق در تعالیم امر
الهی است . فعل بر طبق دستورات اخلاقی حضرت بهاء الله
بسیار مشکلتر از انجام اصولی است که انجمن تسلیح اخلاقی
با تعام شمول و گسترش که در این اصول وجود دارد سعی در
ترویج آن میکند .

آثار حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء مشحون از مواعظ و
نصائح لاتحصی در زمینه رفتار اخلاقی و مشی روحانی است بقیه
شکل ظاهر و قالب است یعنی جامی است که در آن باده صافی
روح ریخته میشود .

بدون روح و اعمال قلبیه که ناشی از آن است جسد مرده است
کالبد فاقد روح بی اثر و ثمر است استنتاج حضرت ولی امرالله
از آنچه اظهار گردید اینست که کلیه یاران یا لا اقل جمع کثیری
از آنان در آغاز آنطور که میبایست تعلیم امری نیافته اند .

بدون شك هیچ مانعی در راه تأیید اصول چهارگانه انجمن
تسلیح اخلاقی وجود ندارد . اگرچه هر يك از تعالیم بی بدیل امر
الهی در این موارد جامعیت کامل داشته و بیشتر بعمق مسائل
و تفصیل حقایق آنها میپردازد "

" بدون روح عشق و محبت حقیقی نسبت به حضرت بهاء الله
و شریعت سمحه الهی و مؤسسات آن و نیز عشق و محبت افراد
بهائی نسبت به یکدیگر ، امرالله در حقیقت هرگز قادر نخواهد بود

که افراد کثیری را در ظلّ لوای خود وارد سازد ، زیرا آنچه
 دنیا طالب آنست موعظه و وضع قانون نیست بلکه محبت و عمل است"
 (استخراج از نامه های مورخ ۳۰ سپتامبر و ۲۵ اکتبر ۱۹۴۹ که
 از طرف حضرت ولیّ امرالله بیکی از احباب صادر گردیده است)

"مهذا هیکل مبارک توپا احساس میکنند که اگر وضع آن مدینه
 بدرجه ایست که در نامه شما بدان اشاره شده ، محقق است که
 امور در طریق ناصوابی جریان دارد . منظور اصولا نظر محفل
 نیست بلکه مقصود رفتار فرد فرد یاران است زیرا باید پرسید
 محبت یبھائی کجاست ؟ آن اتحاد و اتفاق که مقدّم بر هر امریست
 کجاست ؟ آن میل بقد کردن احساسات و نظر شخص برای بشعر
 رساندن محبت و وفاق کجاست ؟ چه چیز باعث میشود که بهائیمان
 فکر کنند و قتیکه توانین روحانی را فدا میکنند توانین اداری کاری از
 پیش خواهد بود ؟ هیکل مبارک تأکید میفرمایند که منتهای کوشش
 را بنمائید تا احباب آن مدینه استعمال اصطلاحات غیر معقول
 مانند (رادیکال) یا (محافظه کار) یا (مترقی) یا (دشمنان امر)
 یا (اختناق امر تبلیغ) و غیره را کنار بگذارند . اگر آنها لحظه ای
 عمیقاً فکر میکردند که برای چه مقصد و منظوری حضرت باب و شهدای
 امرجان خود را فدا کردند و حضرت بهاء الله و حضرت مولی الوری
 اینهمه مشقات را متحمل گردیدند هرگز حاضر نمیشدند و قتیکه
 از یکدیگر صحبت میکنند چنین توصیفات و اتهاماتی از لبهایشان

خارج شود .

تا زمانیکه یاران در پینشان مجادله باشد مجاهداتشان فاقده برکت خواهد بود زیرا اطاعت از او امر خداوند نمیکند " (استخراج از توفیق مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۵۰ حضرت ولی امرالله که از طرف هیکل مبارک بیکی از احباب غرّ صدور یافته)

۶ " میتوان گفت دو نوع بهائی در امر وجود دارد . یکی آنهاییکه دینشان بهائی است و دیگر کسانی که بخاطر امر زندگی میکنند . احتیاج بذکر نیست که اگر شخص بتواند در سلک دسته اخیر قرار گیرد و یا اگر فردی بتواند در صف مقدم باسلان و شهداء و مخلصین واقع شود در نزد خدا احسن و اولی است " . (استخراج از توفیق حضرت ولی امرالله مورخ ۱۶ آپریل ۱۹۵۰ که از طرف هیکل مبارک بیکی از احباب غرّ صدور یافته و در اخبار امری شماره ۲۴۱ مارچ ۱۹۵۰ صفحه ۲ نقل شده است)

۷ " مقام روحانی ما باید بدرجه ای برسد که خدا را بر همه چیز مقدم بداریم و تعلقات شدید انسانی موجب دوری ما از خدا نگردد . ما پیوسته مردمی را می بینیم که یا بعلت شدت نفرت یا تعلق بیهود و خصمیکه نسبت بشخص دیگر دارند یا اصول را فدا میکنند و یا خود را از سبیل الهی محروم مینمایند ما باید خدا را دوست بداریم و در این مقام است که محبت نسبت بعموم بشر امکان پذیر

است . ما نمیتوانیم هر يك از اینها بشر را بخاطر خود او دوست
 بداریم بلکه احساس ما نسبت به بشریت باید بر اساس عشق
 باشد که به اب آسمانی که خالق و آفریننده بشر است ، داریم

(استخراج از توقیع مورخ ۴ اکتبر ۱۹۵۰ حضرت ولی امر الله که
 از طرف هیکل مبارک یکی از احبّا غرّ صدر یافته است)

" هیکل مبارک تأکید میفرمایند که آنچه در قوه دارید برای
 توسعه محبت و اتحاد در بین اعضا آن جامعه بکار برید زیرا
 بقرار معلوم باین موضوع احتیاج مبرم دارند .

اغلب جوامع جوان بخاطر اشتیاق خود با اداره امر از ملاحظه این
 واقعیت باز میمانند که مناسبات روحانی بمراتب مهمتر و اساسی تر
 از قوانین و قواعد است که راهنمای امور عادی جامعه می باشد ."
 (استخراج از توقیع مورخه ۴ اکتبر ۱۹۵۰ حضرت ولی امر الله که از
 طرف هیکل مبارک یکی از احبّا غرّ صدر یافته است)

" احتیاج مبرمی که همه جا در داخل جامعه امر بنظر
 میرسد اینست که باید یاران را بلزوم محبت فیما بین متوجه سازیم
 ظاهراً تمایلی وجود دارد که وظایف و مسئولیتهای اداری امری
 و رفتار تشکیلات را با مناسبات بین افراد مخلوط و بر آن منطبق
 سازند و حال آنکه این امر صحیح نیست زیرا مغل مرحله صباوت

بیت العدل است که امور جامعه را بموجب تعالیم الهی اداره
 مینماید و لکن افراد در روابط خود باید نسبت به یکدیگر محبت
 و وداد و غو و افاض سلوک نمایند . هرگاه یاران باین طریق
 رفتار نمایند روش صحیح و معقولی خواهند داشت ولی آنها
 میخواهند در روابط فردی خود مانند یک مؤسسه اداری رفتار
 کنند و حال آنکه انتظار دارند رفتار محفل و مؤسسات با آنها مانند
 سلوک فرد با فرد باشد .

(از توفیق مورخ ۵ اکتبر ۱۹۵۰ حضرت ولی امرالله که از طرف
 هیکل مبارک بیکی از احباب فرّ صدر یافته است)

" هرگاه انتقاد شدید و استعمال کلمات درشت در بین
 افراد جامعه بهائیان یک نقطه بروز کند چاره ای جز این نیست
 که گذشته را فراموش کنند و کلیه اشخاص وارد در قضیه را متقاعد
 سازند که صفحه جدیدی بر مناسبات خود بکشایند و برای خاطر
 خدا و امر الهی از ذکر مطالبی که منجر بعدم تفاهم و نفاق میگردد
 خودداری نمایند . هر قدر یاران بیشتر وارد جو و بحث شوند
 و طرفین بیشتر در نظریه خویش یافشاری نمایند بطور کلی وضع
 وخیمتر خواهد شد . "

" و قتیکه ما موقعیت کنونی دنیا را مشاهده میکنیم بطور حتم
 باید این اختلاف ناچیز داخلی را فراموش کرده و متفقاً بنجات

بشریت هشتا بیستم . شما باید با حُبّ تأکید کنید که این نکته را در نظر بگیرند و با جهدی موفور از شما پشتیبانی کنند تا هرگونه فکر انتقاد و ذکر کلمات درشت ریشه کن گردد، باشد که روح نباض الهی در سراسر جامعه بسریان آید و در شوق باو و خدمت باستان مقدّسش جامعه ان مدینه را متحد نماید ."

(از توقیع مورخ ۱۶ فوریه ۱۹۵۱ حضرت ولیّ امرالله که از طرف هیکل مبارک بیکی از احبّاء غرّ صدور یافته است)

" حضرت ولیّ امرالله اطمینان دارند که تبرّع از طرف دوست شما که برای مدت کوتاهی فعالیت امری نداشته وسیله برای تغییر حال او خواهد بود که مجدداً بخدمت بپردازد . هیچ امری باندازه خدمت با امرالله موفقیت در بر ندارد . خدمتت مغناطیس تأییدات الهیه است در اینصورت وقتی شخص فعال باشد روح القدس او را تأیید میکند و در صورت عدم فعالیت روح القدس از شمول تأیید بازمانده و شخص از اشعه شفا دهند و روح بخشش ان محروم میماند ."

(از توقیع مورخ ۱۲ جولای ۱۹۵۲ حضرت ولیّ امرالله که از طرف هیکل مبارک بیکی از احبّاء غرّ صدور یافته)

" حضرت ولیّ امرالله عقیده دارند که روش شما در قبال

صل نادرست آنان که قبول حقّ العمل از همکاران دکترو داروساز بود، بسیار قابل تمجید است. هر قدر احبّا صحیح العمل و شریف باشند بیشتر توجه عامه را باصول متین و قدرت روحانی دیانتی که بدان مؤمن هستند جلب مینمایند."

(از توفیح مؤرخ ۲۰ اکتبر ۱۶۵۳ حضرت ولی امرالله که از طرف هیکل مبارک بهمی از احبّا فرّ صدور یافته)

"قیام و کوشش در خدمت امر هر قدر دشوار و موجب زحمت باشد افتخار آمیز است و در درجه اول متوجه یکایک افراد احیاست که در هر حال سرنوشت تمام جامعه با آنها بستگی دارد. فرد بهائی بمنزله تار و پود جامعه است که کیفیت و تقاضای آنست که ان بسته باوست او در حکم یکی از حلقه های بیشمار زنجیر محکم است که اکنون کوه ارض را احاطه نموده است او بمثابة سنگ زیر بنای ساختمان است که ثقل بنا و ثبات نظم اداری را کسه اکنون در هر قسمتی از دنیا استقرار یافته است تحمل و تضمین میکند. بدون حمایت قلبی و مستمر و مداوم فرد بهائی هر تصمیمی که بوسیله مفضل ملی یعنی هیئتی که بعنوان نماینده ملی آن جامعه انتخاب شده است اتخاذ شود محکوم بشکست خواهد بود. اگر چنین حمایتی از جانب افراد و تشکیلات جامعه در پیغ شود حتی مرکز جهانی امر نیز فلج خواهد شد و نفس طراح نقشه ملکوتی نیز اگر چنانچه فاقد وسائل مناسب جهت اجرای آن طرح

باشد از نیل بمقصد خویش باز میماند و تائیدات متابعه حضرت
بهاء الله مؤسس دیانت بهائی در باره هر یک از افراد یکجه در
سبیل خدمتش قیام نمایند و سهم خویش را ایفا نکنند سلب خواهد
شد "

(از توقیع مورخ ۲۸ جولای ۱۹۵۴ حضرت ولی امر الله خطاب
بمخفیل روحانی ملی ممالک متحده آمریکا که در (کتاب حسن امر الله)
نقل شده است صفحه ۱۳۰ - ۱۳۱)

" و تئیکه فردی بامر بهائی ایمان میآورد صلاحاً حاصل کار
اینستکه بذر معنوی در قلب او شروع بهروئیدن مینماید و این بذر
بایستی بفضولیات روح القدس ایباری گردد . وصول این مواهب
معنوی نیز از طریق دعا و تفکر و شناسائی امر و ایات الهی و
خدمت باستان مقدّس حاصل میشود حقیقت مطلب اینستکه خدمت
در امر شبیه به خدیش است که زمین را شخم میکند تا برای
بذر افشانی آماده گردد . لذا ضروری است که زمین را شخم زنند
تا قوت یابد و موجب رشد سریع دانه گردد . عیناً بهمین طریق نیز
تکامل روحانی از راه شخم اراضی قلوب حاصل میگردد . پس این
انعکاس دائمی روح القدس است که سبب نمو و ترقی روح انسانی
میگردد و پیچودن مراحل ترقی را تسریع مینماید .

سَلماً در حیات روحانی مراحل اندوهناک و پر مشقت و حتی
امتحانات شدیدی پیش میآید . در این قبیل موارد شخص اگر

ثابتاً راسخاً بسوی مظهر الهی رو آورد و تعالیم ملکوتی او را دقیقاً مطالعه و مورد نظر قرار دهد از برکات روح القدس بهره ورگشته و پی خواهد برد که درحقیقت این امتحانات و مشقات مواهب الهیه بمنظور آمادگی نمو و شکفتن او بوده است .

در این صورت شما بمشکلاتی که در سبیل خدمت به آن دچار میشوید بصورت مشکلاتیکه فی الحقیقه وسیله ترقی و تعالی سببی روح شماست ناظر باشید با این فکر متوجه خواهید شد که بر بسیاری از مسائلی که سبب ناراحتی شما بوده فائق گشته اید و تعجب خواهید کرد از اینکه چرا از ابتدا آنها را برای خود ناراحتی دانسته اید . یک فرد بهائی بر طبق موازینی که حضرت بهاء الله تعیین فرموده اند باید قلباً و روحاً متوجه خدمت بامر باشد هرگاه که این عمل انجام شود جنود ملا اهل آن فرد را تائید خواهد کرد و کلیه مصائب و امتحانات متدرجاً مرتفع خواهد گشت "

(از توقیع ۶ اکتبر ۱۹۰۴ حضرت ولی امرالله که از طرف هیکسل مبارک بیکی از احباب فرّصردور یافته)

"راه سخت و ناهموار است و امتحانات شدید ولی همانطور که اظهار داشته اید اگر یاران پیاموزند که بر طبق تعالیم حضرت بهاء الله زندگی کنند متوجه خواهند شد که حقیقتاً قوای غیبیه شامل حال آنها گشته و همواره حمایت و اعانت

الهی دردسترس است و موانع مرتفع و در خاتمه موفقیت حتمی و قطعی است " .

(از توفیق مورخ ۲۳ آپریل ۱۹۵۶ حضرت ولی امرالله که از طرف هیکل مبارک بیکی از احباب غرضدور یافته است.)

" هر فرد باید خود بتنهائی میزان قدرت خود را در انجام کار بسنجد و بوجدان خود رجوع نموده با دعا و مناجات حمایت الهی را جلب نماید و مردانه بمبارزه با سستی و رخوت طبیعی که باعث نقصان تلاش او در قیام بخدمت است برخیزد و بدون تردید با غم-راسخ قهرمانانه تعلقات پیش یا افتاده و بیش از حد اعتدال را که مانع پیشرفت او هستند دور بریزد و خود را از هر گونه فکری که ممکنست سدّ راه او شود فارغ سازد . این قیام باید با اطاعت محض از شارع امر الهی و تبعیت از مثل اعلایش توأم بوده در برخورد با مردان و زنان از وضع و شریف جهل نماید تا با خصوصیات ممتازه بهائی فکرأ و عملاً و قولاً در قلوب ایشان اثر گذارد و با تدبیر و محبت و دعا و استقامت ایشان را بآئینی که خود بآن تعلق دارد جلب نماید " .

(از توفیق مورخ ۱۹ جولای ۱۹۵۶ حضرت ولی امرالله خطاب بمخفل روحانی ملی ایالات متّحده آمریکا که در کتاب حسن امرالله صفحه ۱۴۸ نقل شده است.)

" حضرت ولی امرالله از اطلاع بر عدم هم آهنگی بین یاران آن سامان بسیار متأثر شدند و عقیده دارند که تنها راه عاقلانه که عموم یاران باید بدان عمل نمایند آنستکه خود را وقف تبلیغ امر الهی نموده و با محفل ملی خویش همکاری کنند .

فالباقی این امتحانات و افتتانات که در حال حاضر مبتلا به عموم جوامع بهائی بوده و یاران معرض آن قرار میگیرند بنظر شدید است ولی در مراجعۀ بگذشته ما متوجه میشویم که این امتحانات بعلت تصور ناشی از ضعف طبیعت بشری بر اثر سوء تفاهمها و آلام متزاید بوده که هر یک از جوامع بهائی بایستد با این تجربه ها مواجه شوند "

(از توقیع ۲۵ نوامبر ۱۹۵۶ حضرت ولی امرالله که از طرف هیکل مبارک بیکی از احباب غرّ صدور یافته است)

" هیکل مبارک بسیار مسرورند که می بینند شما یکی یکی از نوید بخش ترین تعالیم حضرت هدایا را جامه عمل پوشانید، امید که میفرمایند ما بایستی سعی کنیم هر مشکلی را وسیله ای بسوی پیشرفت بدانیم . در طی زندگی گذشته شما شجاعانه بر موانع فائق گشته اید و امید مینمایید که در این حادثه دچار نومیدی شده و یا شکست بخورید زیرا شما تصمیم دارید که این حادثه را وسیله ترکه و تطهیر نفوس خود دانسته و شخصیت روحانی خود را ارتقاء دهید و قدرت و شایستگی آنها یابید که در

آینده، اضای مفیدتری برای جامعه آتی خود باشید و براستی
این چیز است که مقبول نظر الهی است " .
(از توقیح مورخ ۲۶ مارچ ۱۹۵۷ حضرت ولی امرالله که از طرف
هیکل مبارک باجهائی که در زندان دولتی فارم لیتالیا در یوگاندا
محبوس بوده اند عَزَّوَجَلَّ دریافت کرده است)

" احباً باید نظر بشرایط کنونی دنیا بعنوان پهلوان فداکار
حضرت بهاء الله در نهایت شجاعت و استقامت قیام نموده و از
احکام مبارکه تبعیت نمایند و در تلاش آن باشند که نظم جهانی
خبرشتر را بنا نهند . از طریق همسازی با محیط اطراف هرگز
قادر با استقرار امر و یا فتح قلوب دیگران با امر الهی نخواهیم شد .
برای تحقق بخشیدن باین موضوع غالباً مقداری فدکاری فردی
لازم است و باید بدانیم که وقتی عمل صحیحی انجام میدهد هم
خدا قدرت عنایت میفرماید که آن عمل را بشمر برسانیم و باین طریق
سبب جلب برکات الهیه میشویم و در چنین احسان است که
متوجه میشویم بلا فی الحقیقه عن عطاست "

(از توقیح مورخ ۷ می ۱۹۵۷ حضرت ولی امرالله که از طرف
هیکل مبارک خطاب بمخفل روحانی ملی استرالیا عَزَّوَجَلَّ دریافت کرده
و در اخبار امری بهائی سال ۱۹۵۹ شماره ۳۳۵ ص ۲ نقل شده
است)

" برای یاران تشبث باین بهانه که چون مبلغین برگزیده و احبای نمونه دیارشان قیام نموده و به ندای هجرت لبیک گفته اند کفایت است صحیح نیست چه که " مبلغ برگزیده " و مؤمن نمونه نهایتاً از یک مؤمن عادی که خود را وقف خدمت امر نماید و در تربید معلومات و درک مطالب امری همت گمارد و حضرت بهاء الله را محل اتکال خود قرار دهد و آنچه در قوه داشته صرف قیام بخدمت امر نماید برتر و والاتر نبوده بلکه در شئون روحانی مساوی میباشند این بابی است که مطهناً وبدون تردید بروی هر یک از پیروان امر که محکم آنرا بگویند مفتوح خواهد شد و هر زمان که قدرت اراده و شوق بحد کافی باشد وسائل آماده و راه باز است خواه جهت اجرای خدمت بیشتر در محل و خواه برای عزیمت یکی از شهرهائیکه جزو اهداف جدید ایالات متحده است و خواه در زمینه مهاجرت خارج ... "

" نه فقط محفل شما باید امر تشویق و هدایت لازم را برعهده داشته و یاران را در قیام بخدمت و انجام سهمی که برعهده دارند ترغیب نماید بلکه محافل محلیه نیز باید همت کنند و یاران را در قیام و نیل به هدف کمک نمایند در این هنگام هر فرد بهائیس باید در قبال امر احساس مسئولیت شخصی داشته و آنرا از بزرگترین افتخارات خود بداند و از خود سؤال کند که در طول چند سال آتیه که اکنون آغاز میشود چه میتواند انجام دهد تا تحقق اهداف جهاد جهانی تسریع شود .

احبا بمنزله خمیرمایه امر الهی هستند که باید سبب
 اصلی حیات روحانی افراد ملتشان گردند *
 (از توفیق ۲۱ سپتامبر ۱۹۵۷ حضرت ولی امرالله که از طرف
 هیکل مبارک خطاب بمخفل روحانی ملی ایالات متحده فرستاده
 یافته است)